



خبر

بازخوانی روایت رهبر معظم انقلاب از فرزند شهید مغفوری در کتاب «حاج قاسمی که من می‌شناختم»

فاطمه مغفوری، فرزند شهید عبدالمهدی مغفوری در مصاحبه با برنامه «خط آزاد» رادیو جوان می‌گوید: شهید سلیمانی هنگامی که دخترم، زینب در بیمارستان بستری بود ساعت های طولانی برای همدلی و همراهی با خانواده‌ام در بیمارستان حضور پیدا کرد و به من گفت«صبح در راه بیمارستان به پدرت گفتم شما برو جایی که من باید بروم و آنجا را مدیریت کن و من هم به جای شما به بیمارستان و پیش دخترم می‌روم.»

این فرزند شهید که پدرش عبدالمهدی مغفوری در عملیات کربلای ۴ به شهادت رسیده است، با اشاره به سابقه آشنایی خانواده‌اش با خانواده حاج‌قاسم سلیمانی در کرمان گفت: در زمانی‌که در کرمان به همراه خانواده‌ام زندگی می‌کردم، خانواده حاج‌آقا نیز همسایه و هم‌محل ما بودند و من با دختر ایشان هم‌کلاس بودم و ایشان در ایام امتحانات ما را به مدرسه می‌بردند. این ارتباط بین دو خانواده وجود داشت تا زمانی که من ازدواج کردم و در سال ۱۳۸۴ به دلیل شغل همسرم به تهران آمدم. در تهران نیز ارتباط ما ادامه پیدا کرد و من از ایشان خاطرات زیادی را طی این سال‌ها به یاد دارم.

وی با اشاره به خاطره‌ای که رهبر معظم انقلاب در روز شنبه در دیدار با خانواده شهید سلیمانی از ایشان به نقل از کتاب «حاج قاسمی که من می‌شناختم» مطرح کردند، اظهار کرد: دخترم در ۱۳ سالگی بیمار شد و ما به‌ناگاه متوجه بیماری ایشان شدیم. روزهای خیلی سختی برای ما بود چراکه چند هفته قبلش نیز پسرم به خاطر بیماری دیابت در بیمارستان بستری شده‌بود. حاج‌آقا در آن ایام که فرزندم در بیمارستان بستری بودند چند باری برای عیادت ایشان به بیمارستان آمدم و حتی یک‌بار برخلاف روال معمول با لباس فرم تشریف آوردند. فاطمه مغفوری ادامه داد: در طول ایام بیماری دخترم زینب ما روزهای بسیار سختی داشتیم. در این ایام سردار سلیمانی برای من و همسرم یک کوه آرامش بودند. مرتب جویای وضعیت دخترم بودند و اگر ایران بودند به در خانه ما می‌آمدند و سراغ احوال زینب را می‌گرفتند و حتی یادم هست که از سوریه و عراق در هنگامی که در ماموریت بودند به من زنگ زدند و احوال زینب را پرسیدند.

دختر شهید مغفوری افزود: زینب دخترم در نوزدهم اردیبهشت سال ۹۸ برای جراحی در بیمارستان بستری شد و همان روز صبح حاج‌آقا سردار سلیمانی به گوشی من زنگ زدند و گفتند: «فاطمه کجایی؟» من در جواب ایشان گفتم: «حاج‌آقا بیمارستان هستم.» ایشان نیز گفتند من نیز در بیمارستان هستم. شما کدام بخش هستید؟ آن روز ایشان همراه شهید پورجعفری در بیمارستان در کنار ما بودند. از طریق آقای پورجعفری متوجه شدم که سردار باید ماموریت بروند و فرصت چندانی ندارند. من به حاج‌آقا اصرار کردم که کارشان برسند و تاکید کردم معلوم نیست به چه میزان این عمل طول بکشد. ولی حاج‌آقا اصرار داشتند که بمانند. من از یک طرف دلشوره دخترم زینب را داشتم و از طرف دیگر نگران حاج‌آقا بودم که ماموریت‌شان با تاخیر مواجه نشود. وقتی من اصرار کردم که حاج‌آقا بروند ایشان به من گفتند: «من صبح در راه بیمارستان به پدرت گفتم شما برو جایی که من باید بروم و آنجا را مدیریت کن و من به‌جای شما به بیمارستان پیش دخترم فاطمه می‌روم.» وقتی شهید سلیمانی این حرف را به من زدند از یک طرف بسیار پرنرزیی شدم ولی از طرف دیگر حالم بسیار خراب شد و به دیوار بیمارستان تکیه کردم و اشک ریختم.

مغفوری تصریح کرد: وقت عمل جراحی دخترم تمام شد. پزشکان به ما اطلاع دادند عمل جراحی به خیر گذشته و مشکل رفع شده‌است. وقتی خیال‌مان از بابت جراحی زینب راحت شد به حاج‌آقاگفتم که شما بروید.

ولی ایشان در پاسخ گفتند من اینجا می‌مانم تا زمانی که زینب به‌هوش بیاید. ایشان در نهایت موقعی که زینب به هوش آمدند و خیال‌شان از این بابت راحت شد، بیمارستان را ترک کردند تا به ماموریت‌شان برسند.

براساس این گزارش شهید عبدالمهدی مغفوری عضو لشکر ۴۱ ثار... بودند و در عملیات کربلای ۴ به شهادت رسیدند.



وی درباره تمایز این مسابقه کارآفرینی با مسابقه‌های دیگر مثل «میدون» عنوان کرد: برنامه‌های کارآفرینی زیادی در تلویزیون ساخته و پخش شده‌است اما تمام این برنامه‌ها مانند میدون، کارسان، شتاب شو و... همه یک‌گونه مسابقه برای کارآفرین‌هایی هستند که بیشتر آنها هنوز از مرحله شتاب‌دهی گذر نکردند.



تاکتون ساخته شده‌است، در چیست؟ آیا جای خالی چنین برنامه‌ای را در تلویزیون حس می‌کنید که این برنامه تولید شد؟

اگر بخواهم خلاصه و تیتروار این تفاوت‌ها را بیان کنم باید بگویم رخ‌به‌رخ سه تفاوت اصلی با برنامه‌های شبیه خود دارد. گفت‌وگو - دراما بودن، ما را به نمایش و تئاتر نزدیک کرده و باعث تفاوت آشکار شده و به همین دلیل است که در این برنامه پشت صحنه و جلوی صحنه‌ای نداریم. کارگردانی داخل صحنه، گریم و تمام اتفاقات داخل یک نمایش تعریف شده و انجام می‌شود. در محتوای گفت‌وگو اصالت ما بر روانکاوی و درون‌نگری است

و این کار را تبدیل به یک سبک زندگی دور از هیاهو و اجتناب از سرعت می‌کند و سوم شکل روایی سکانس - پلان ماست که اولین تجربه در برنامه‌سازی است. برای اولین بار یک تاک‌شو با دوربین‌های متفاوت از برنامه‌های این‌چینی، ضبط می‌شود. ما هیچ میان‌برنامه یا حتی یک وایپ ساده نداریم. از ورود تا خروج همه چیز به صورت یکدست مقابل چشم مخاطب است. تفاوت‌های زیاد دیگری هم هست که به مرور زمان در برنامه رخ‌به‌رخ نمایان می‌شود.

در پایان باید گفت گروه رخ‌به‌رخ امیدوار است مهم‌ترین شعارش را در ذهن مخاطبان هک و تکرار کند که: وقتش رسیده دیگر با خودمان «رخ‌به‌رخ» شویم.

فرصت‌های اقتصادی ایران بود. این ایده کم‌کم در اتاق‌های فکر و طراحی برنامه پر و بال گرفت تا در انتها به این نتیجه رسیدیم آینده اقتصاد و فناوری ایران به شرکت‌های دانش‌بنیان گره خورده‌است؛ به همین دلیل با همکاری صندوق نوآوری و شکوفایی ریاست جمهوری سراغ این شرکت‌ها رفتم و کارویا متولد شد.

گفت‌وگو با تهیه‌کننده «رخ به رخ» برنامه‌ای که تلاش دارد به عمق تفکر آدم‌ها سفر کند

وقتش رسیده با خودمان «رخ به‌رخ» شویم

رخ‌به‌رخ گفت‌وگو محور «رخ‌به‌رخ» یکی از تازه‌ترین تولیدات شبکه دوی سیما به تهیه‌کنندگی مهدی بابایی و کارگردانی حسین فاطمیان با اجرای امیرعلی دانایی، بازیگر تلویزیون و سینماست که هر جمعه ساعت ۲۳ روانه آنتن می‌شود. بخش‌های مختلف این برنامه با سؤالاتی طراحی شده‌اند که هدف آن رویه‌رو شدن با احساسات مختلف آدمی و تلاش برای نزدیک‌تر شدن به آن رخ و موقعیتی از افراد است که تاکنون کمتر دیده شده‌است. داستان و بخش‌های برنامه رخ‌به‌رخ حضور یک شخصیت شناخته‌شده در یک مهمانی ساده است که جدای از حرفه‌اش، تجربیات انسانی‌اش را با مخاطب در میان می‌گذارد و در این میان حرف‌ها و سوالاتی مطرح خواهدشد که پرسش‌های ذهنی بیننده است. این برنامه، رویه‌رو شدن با احساسات مختلف آدمی و تلاش برای نزدیک‌تر شدن به خود واقعی هر کس را در بطن خود دنبال می‌کند. به گفته تهیه‌کننده این برنامه، مهمانان رخ‌به‌رخ به روشی ویژه انتخاب می‌شوند و گفت و شنودهای بی‌تعارف و صریح، از ویژگی‌های این برنامه است. پرسش‌های این برنامه با توجه به خود واقعی مهمانان طراحی شده و از جنس سوال‌های مرسوم در برنامه‌های گفت‌وگو محور نیست. رخ به رخ نوع جدیدی از این نوع برنامه‌ها را به نمایش گذاشته و سعی دارد به دور از حاشیه‌سازی‌های معمول این روزها، به مرور زمان جای خود را در ذهن مخاطب باز کرده و خود را به عنوان یک برند برنامه‌سازی در تلویزیون به ثبت برساند. با مهدی بابایی، تهیه‌کننده این برنامه گفت‌وگویی داشتیم که می‌خوانید.

سلیقه مخاطب یک جعبه مدادرنگی کامل است و می‌توان برای سلایق مختلف برنامه‌سازی کرد. برنامه رخ‌به‌رخ از این جعبه با تنوع رنگی بسیار زیاد تصمیم گرفته، رنگی به دور از حواشی باشد و به بطن داستان بپردازد. البته این تازه شروع کار ماست و به مرور زمان مخاطبان بیشتری به موضوعات روانکاوانه و عمیق در گفت‌وگوهای این برنامه علاقه‌مند می‌شوند.

در قسمت‌هایی که تاکنون روی آنتن رفته‌است به یک بعد از زندگی مهمان می‌پردازید، این بخش از زندگی بر چه اساسی انتخاب می‌شود؟

انتخاب ما تک بعدی نیست اما سعی می‌کنیم از ابعاد مختلف زندگی مهمان برنامه، به بخش کمتر دیده‌شده و تا حدی عمیق زندگی‌اش نزدیک شویم. میزانی از این انتخاب‌ها در پژوهش‌های پیش تولید و برخی هم از طریق گفت‌وگوهای قبیل از ضبط برنامه مشخص می‌شود. تمام پژوهش‌ها و انتخاب‌های ما برای گفت‌وگو در برنامه در کنار راحتی مهمان با موضوعات پرسش‌ها، ترکیب می‌شود. هدف ما این است مهمان در فضای گرم و صمیمی گفت‌وگو کند، به همین دلیل بعدی از زندگی او را انتخاب می‌کنیم که عنصر راحتی مهمان هم دخیل باشد.

چگونه و بر اساس چه معیارهایی به انتخاب امیرعلی دانایی به عنوان مجری رسیدید؟

پیشکسوت، از کم‌دین تا منتقد تند و تیز، این اعطاف برای گروه ما از اهمیت بالایی برخوردار بود. موضوع سوم چهره کاربنماتیک اوست. ادب، شیوایی بیان و عنصر چهره کاربنماتیک، هرم فکری ما برای مجری شدن او در برنامه رخ‌به‌رخ را کامل کرد.

آیا انتخاب مجری، فضای استودیو و سوالات یک فضای آرام برای برنامه‌ای را به تماشا بنشیند؟

رخ‌به‌رخ به زبان قدیمی‌ها شاید کمی دیرجوش باشد. در دنیای فست‌فودها برنامه ما غذای سنتی است که باید جا بیفتد تا مزه‌اش همه را مجذوب کند. مخاطب رخ‌به‌رخ انگار به آسمان شب نگاه می‌کند، البته این به معنای جذاب نبودن برنامه نیست. حسن ریوندی

الگوی جهانی «کارویا»

کارگردان «کارویا» درباره این برنامه و مدل آن بیان کرد چون مدل موفقی از برنامه‌های کارآفرینی و استارت‌آپی در ایران نبوده از مدل جهانی آن ایده گرفته‌اند. مهدی مهرنیا کارگردان کارویا در گفت‌وگو با مهر با اشاره به ایده ساخت این مسابقه کارآفرینی بیان کرد: ایده اولیه تولید یک مجموعه تلویزیونی برای معرفی



احمد رضا معراجی

رسانه

رخ‌به‌رخ برای چند فصل در تلویزیون برنامه‌ریزی شده‌است؟ آیا تولید و پخش فصل‌های بعدی به بازخورد مخاطبان ارتباط دارد؟

این برنامه تازه متولد شده و در ابتدای یک مسیر طولانی است. اتفاق خیلی خوب و مبارک برای من به عنوان تهیه‌کننده این برنامه، استقبال اقشار مختلف جامعه و مخاطبان از برنامه است. رخ‌به‌رخ با توجه به نوآوری‌های متعددی که در فرم دارد، توانسته با برنامه‌های همسوی خودش تفاوت ساختاری مناسبی داشته‌باشد که این موضوع یکی از عوامل جذب مخاطب بوده‌است. خوشبختانه مجوز ساخت فصل دوم برنامه صادر شده و ان‌شاء... به‌علاز اتمام تولید فصل اول، پیش تولید فصل دوم آغاز می‌شود. امیدوارم با استقبال مخاطبان با فصل‌های زیادی از برنامه رخ‌به‌رخ، همراه مردم عزیز ایران باشیم.

شما در رخ‌به‌رخ برخلاف دیگر برنامه‌های استودیویی و مهمان محور به دنبال ایجاد چالش و حرف‌های حاشیه‌ای نیستید، آیا این موضوع به نارضایتی مخاطب منتهی نخواهد شد؟

نمی‌توان منکر شد در تمام دنیا و از جمله در کشور ما ایران، مخاطب عام علاقه زیادی به حواشی زندگی افراد شناخته‌شده دارد اما این موضوع به معنای تام و تمام سلیقه مخاطبان نیست. در دهه اخیر برنامه‌سازی نشان می‌دهد

مراسم سالگرد شهادت حاج‌قاسم سلیمانی برگزار و از ۲ کتاب گویای فاخر «هم‌راه» و «هم‌سایه» رونمایی شد

مرور خاطرات سردار به روایت هم‌زمانش

مراسم سالگرد شهادت حاج‌قاسم سلیمانی روز گذشته در سالن کنفرانس معاونت صدا در ساختمان شهدا برگزار و از دو کتاب گویای فاخر «هم‌راه» و «هم‌سایه» رونمایی شد. در این مراسم علی بخشی‌زاده معاون صدا، دکتر باقری صیانت و حفاظت معاونت صدا، مهدی شاملو مدیر ایرانصدا، صدر مدیر روابط عمومی معاونت صدا، سردار سرتیپ پاسدار علی فضل‌ی جانشین معاون هماهنگ‌کننده سپاه، عینی‌ذاکر اهل بیت، محمد حسین لطیفی کارگردان و بازیگر کتاب گویای «هم‌سایه»، فرهاد قائمیان بازیگر کتاب گویای «هم‌سایه»، فاطمه حاج‌زمان نویسنده کتاب گویای «هم‌راه» عبدال... اعلایی تهیه‌کننده، کاظمی فرزند شهید کاظمی، زینلی کهگی والده شهید شهروز مظفری‌نیا، محمد دشتی نویسنده و جمعی از هم‌زمان شهید سلیمانی حضور داشتند.

به گزارش جام‌جم، این مراسم با مداحی یکی از مداحان به

مناسبت دومین سالگرد شهادت حاج‌قاسم سلیمانی آغاز شد. پس از آن هم کلیپی برای حضار پخش شد که در آن سهراب سلیمانی برادر سردار سخنانی را به طور اختصاصی برای این مراسم بیان کرد. در ادامه مهدی شاملو، مدیر ایرانصدا گفت: هر چند وقت که حادثه بزرگی در تاریخ اتفاق می‌افتد بعد از گذشت چند وقت از این حادثه برای این‌که ماندگار شود به دو عامل بستگی دارد. روایت تاریخ این اتفاق در بستر هنر دربیاید و تبدیل به

رادیو را دوست دارم

در حاشیه این مراسم محمدحسین لطیفی در پاسخ به سوال خبرنگار جام‌جم در خصوص همکاری با ایرانصدا گفت: این چهارمین کتابی است که خوانش کردم. دو کار در خدمت استاد زنجانپور بودم و یک کار هم درباره شهید باقری بود. من اساسا صدا و رادیو را دوست دارم. آنقدر هم که به من گفتند صدایت خوب است و چرا دوبله نمی‌کنی، وظیفه خودم دیدم این‌کار را انجام بدهم. البته ارادت خاصی هم به سردار سلیمانی دارم و این کار جزو کارهایی بود که از کار و زندگی‌ام زدم و به آن افتخار می‌کنم.

